

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

داکتر میر عبدالرحیم عزیز

۰۸ جنوری ۲۰۱۲

شکست امریکا، تسلیمی طالبان و شرمندگی متداوم لوده های سیاسی

بالاخره پرده از مذاکرات پنهانی امریکا و طالبان افتاد و امریکای مغرور و متجاوز طعم شکست را نه تنها در عراق، بلکه در افغانستان هم چشید. تحریک طالبان با تحمیل تلفات بر قوای متجاوز امریکا و ناتو و به راه انداختن حملات خود کشانه و بربادکن سر تسلیم فرو نهاد و حاضر به مذاکره با قدرتی شد که خصم درجه یک آنها شمرده می شد. خاطره قراد داد های مخفی احمد شاه مسعود با شوروی تازه شده است. لوده های سیاسی که از موجودیت مراکز نظامی امریکا برای جلوگیری از به قدرت رسیدن دوباره طالبان و دفع تجاوزات همسایگان طماع دفاع می کردند، به شرمندگی ابدی پیوستند و حال برای نجات خویش به جواسیس کی جی بی و شب نامه نویسان شورای نظاری دست پرورده روس پناه می برند.

امریکا: مدت ها قبل، تجاوزگران امریکائی و دوستان طالبی شان داخل مذاکرات مخفی شدند تا هر دو برای یک دیگر قابل پذیرش گردند. موضوع استقلال افغانستان و حاکمیت این کشور برای طرفین مطرح بحث نبوده، بلکه به دست آوردن و دادن امتیازات سیاسی محور اصلی مذاکرات دو جانب تجاوزگر و تسلیم طلب را تشکیل می دهد. همه این فعالیت های مخفی تا زمان افشاء شدن آن در غیاب "حامد کرزی" و دولت مستعمراتی اش صورت گرفت. شک دارم که اسلام آباد از جریان با خبر نبوده باشد. بعد از این که جریان مذاکرات مخفی امریکا و طالبان بر سر زبان ها افتاد، دولت مستعمراتی کرزی با به راه انداختن قیل و قال بی مورد، سر اطاعت و فرمانبرداری خم کرد و از روی خودنمائی و تظاهر به آزادی عمل تماس با حزب اسلامی حکمتیار را در پیش گرفت. سؤال در این جاست که چرا قدرت فرعونی امریکا بعد از ده سال کشتار صد هزار تن مردم ما، ویران ساختن بیشتر کشور ویران شده ما و از صحنه کشیدن تحریک طالبان، حاضر به مذاکره با گروهی می شود که متهم به پناه دادن تروریست ها و متعرض به حقوق بشر و حقوق زن بود. عقب نشینی یک قدرت عظیم متجاوز دنیائی از تیاتر یک

بحران بزرگ مخلوق خودش بدون این که به در هم کوبیدن کامل دشمن موفق گردد، برای آن قدرت بد هبیت یک شکست بزرگ ستراتیژیک است که می تواند حیثیت جهانی آن کشور متجاوز را صدمه زند. این حالت را در شکست شوروی در افغانستان مشاهده کردیم. اما غافل از این نباشیم که امریکا توانائی تحمیل شرارت و برپادی های بی شماری را در افغانستان و منطقه دارد و کدام نیروی بازدارنده ای هم وجود ندارد که به خاطر افغانستان و منطقه خطر رویارویی با امریکا را بپذیرد. پس از نگاه اینجانب، مذاکرات امریکا با طالبان روی سه دلیل استوار بوده است. ۱. هراس از تبدیلی مقاومت قشری طالبان به مقاومت و جنبش آزادیبخش ملی. ۲. تجزیه افغانستان به شمال و جنوب و ۳. آمادگی تجاوز به ایران.

۱. امریکا می داند که تجاوز مقاومت را بار می آورد آنهم تجاوز بر حریم مقدس افغان ها. در این کمترین تردیدی نیست که خاینان و مهین فروشان در هر جامعه وجود دارند که با متجاوزان و دشمنان خارجی و داخلی دست همکاری می دهند. تاریخ ۳۴ سال اخیر کشور شاهد این ادعاست. اما اکثریت مردم هرگز تسلیم نمی شوند. کسی زودتر و کسی هم دیرتر به پا می خیزد تا زنجیر اسارت را در هم شکند. امریکا می ترسد که مقاومت در افغانستان همگانی شود و از حالت قشری طالبی به مبارزات سرتاسری آزادیبخش ملی مبدل گردد. لذا امریکا ممکن به این عقیده رسیده باشد که با دادن امتیازات سیاسی و کنار آمدن با طالبان صفحه جدیدی را در روابطش با طالبان بگشاید تا مدتی از خشم مردمی در افغانستان مصون گردد. ما این روش ضد انسانی امریکا را در جریان جهاد ضد شوروی دیدیم که چطور این کشور و سایر کشور های غرب جلو رشد و تشکیلات نیرو های ملی را به قیمت حمایت از گروه های اخوانی گرفتند.

۲. سوسیال امپریالیسم شوروی در گذشته و امپریالیسم امریکا در حال کنونی تجزیه افغانستان را در سر می پروراند. در محافل سیاسی امریکا موضوع تجزیه افغانستان گاه و بیگاه مطرح می شود و عمال داخلی استعمار هم زمانی که این جریان را می شنوند به خیز و جست آغاز می نمایند و خود را در رسیدن به آرزوی شان در جهت اضمحلال افغانستان نزدیک می بینند. رابرت بلکویل (Robert Blackwill) سفیر اسبق امریکا در هند در ماه جولای ۲۰۱۰ نظر داد که ستراتیژی اوپاما در افغانستان مؤثریت ندارد، لذا بهتر است که افغانستان را به شمال و جنوب تقسیم نمود و قسمتی از جنوب را به طالبان سپرد و خود را در شمال و غرب کشور مستحکم ساخت. این تز شبیه به همان طرح شوروی بود که با احمد شاه مسعود ریخته بودند. حامیان مسعود هم از تز رابرد بلکویل به جبین باز پذیرائی می کنند. اگر یکی از دلایل مذاکرات امریکا با طالبان و اعطای امتیازات به این گروه پیروی از تز سفیر سابق امریکا در هند در تقسیم افغانستان به شمال و جنوب باشد، آینده نحسی در انتظار کشور و مردم ما خواهد بود که مستلزم بیداری و مبارزات مستمر همگانی است تا این طرح دشمنان خارجی و داخلی افغانستان خنثی گردد.

۳. از قراین و شدت جنگ های لفظی بین امریکا و ایران چنین استنباط می شود که امریکا و اسرائیل برای جنگ با ایران آماده می شوند. اداره اوپاما مصروف آوردن تغییرات در دوکتورین نظامی پنتاگون و جابه جایی جدید قوای نظامی امریکا در سطح جهانی است. ضعف اقتصادی رو به ازدیاد امریکا، مصارف کمرشکن نظامی، کسر بودجه و نارضایتی عمومی در این کشور، قدرت حاکمه را بر آن داشته است که از

درگیری در دو یا چند جبهه در یک زمان معین اجتناب نموده و خود را در صورت ضرورت صرف در یک جبهه متمرکز سازد. کشیدن قسمت اعظم قوای نظامی امریکا از عراق و افغانستان این امکان را برای امریکا و شرکا می دهد که کار ایران را یک سره ساخته و این کشور را مانند عراق به خاک و خون بکشانند. خروج قسمی عساکر امریکائی از عراق و افغانستان به معنی اعاده استقلال و حاکمیت این کشور ها نیست. با نصب دولت های دست نشانده در این دو کشور و حمایت مادی و سیاسی از نظام های مستعمراتی اش، امریکا می تواند با مصرف کمتر و قوای کوچکتری عراق و افغانستان را برای مدت دلخواه تحت سیطره خود داشته باشد. برای رویارویی با ایران، امریکا باید خود را از شر طالبان خلاص کرده و حتا در صورت لزوم از نیروی های طالبی علیه ایران استفاده نماید.

تسلیمی طالبان: تحریک طالبان خود را "مقاومت ملی" می پندارند که از اسلام و کشور در دفاع برخاسته اند، درحالی که چنین نیست. مقاومت قشری طالبان به هیچ وجه نمی تواند مقاومت ملی باشد زیرا این گروه فقط متشکل از خود اند نه سایر مبارزان راه آزادی. ایدئولوژی خاص خود را داشته و کمترین انعطاف پذیری در پذیرش آراء و عقاید دیگران ندارند. بنابراین از خصوصیات یک جنبش آزادیبخش ملی میرا اند. در این تردیدی نیست که طالبان علیه متجاوزان امریکا و ناتو جنگیده اند، اما نه برای آزادی کشور بلکه برای به دست آوردن امتیازی که بالاخره خواهند گرفت. داشتن یک دفتر سیاسی در قطر و به دست آوردن چند پست وزارت، افغانستان را به سوی اعاده حاکمیت ملی نمی برد و کدام علامه افتخارآمیز هم نیست. اگر طالبان آرزوی تسلیم شدن و همکاری با متجاوزان را داشتند، پس این قتل و قتال و تخریب و حملات انتحاری مردم کش برای چه؟ صرف برای این که "کرزی" خاین و متجاوزان آنها را دل آسا کنند و برادر بخوانند و زمینه را برای برگشت دوباره شان مهیا سازند. عین این خیانت را احمد شاه مسعود قهرمان خاینان و شبنامه نویسان بی هویت هم انجام داد و با عقد قراد داد های مخفی با شوروی به جهاد ضد روس صدمات جبران ناپذیری وارد کرد که تا ابد برای خود و حامیانش ننگ دایمی کمائی نمود. شباهت هائی بین این دو معامله گری وجود دارد: هر دو دادوستد در ابتداء مخفی بود و بعداً علنی شد. در هر دو معامله گری، مردم افغانستان قربانیان اول بوده اند. در هر دو معامله گری، گروه های مشخص شورای نظار و طالبان صاحب امتیازات شده اند. هر دو معامله گری ضد منافع ملی و میهنی بوده است. در قرارداد مخفی احمدشاه مسعود با شوروی تجزیه افغانستان به شمال و جنوب مطرح شد. تا اکنون از متن قراد داد مخفی طالبان با امریکا به ارتباط تجزیه افغانستان به شمال و جنوب اطلاع نداریم، اما بعید نیست که حاوی چنین خیانت باشد. این خیانت ها یکی در شمال اتفاق افتاد و دیگری در جنوب.

لوده های سیاسی: خدا آدم را لوده نسازد و اگر سازد، چنین نسازد. لوده های سیاسی مبلغ تأسیس و موجودیت مراکز نظامی امریکا در افغانستان اند و ادعا می کنند که این مراکز نظامی می تواند از برگشت طالبان و مداخلات ایران و پاکستان جلوگیری نماید. حال چه خاک را بر سر خود می ریزند. امریکا در خلال مدت ده سال تجاوز و اشغال متداوم افغانستان یک بار هم از مداخلات متواتر پاکستان و ایران جلوگیری نکرد و چگونه بعداً به دفاع از افغانستان بخواهد خاست. موقف این لوده ها در مورد قراد داد های مخفی طالبان با امریکا که حالا علنی گشته چه است؟ کی ملامت است، امریکا و یا طالبان؟ آیا لوده های سیاسی این معامله گری طالبان را مانند قراد داد مخفی احمد شاه مسعود خیانت به کشور می دانند یا این که به خاطر دو چشم اربابان استعماری خاموشی را ترجیح می

دهند؟ تصور می‌کنم که این مردم در حال جنون قرار گرفته‌اند. سایت‌های لوده‌های سیاسی لانه‌جواسیس‌کی جی‌بی و ملجای‌شبنامه‌نویسان‌شورای‌نظاری‌دست‌پرورده‌روس‌شده‌است. روزگاری‌لوده‌های‌سیاسی‌این‌گروه‌ها‌را‌خاینان‌ملی‌می‌دانستند و حال هر دو در یک‌صف‌قرار‌دارند و به‌نوازش‌یک‌دیگر‌می‌پردازند. روزگاری‌لوده‌های‌سیاسی‌سایت‌های‌خود‌را‌به‌قله‌شامخ‌پامیر‌تشبیه‌می‌کردند، اما‌حالا‌عوض‌صعود‌بر‌قله‌پامیر‌در‌زیر‌زین‌شبنامه‌نویسان‌مسکن‌می‌جویند. مرحبا! و مرحبا! لوده‌های‌سیاسی‌در‌چه‌حالت‌نکبتباری‌افتاده‌اند.